ادامه از صفحه ۳

نقش خطبه هاشمی در انتخابات ۷۶

اساسا پیش از انتخابات سال ۷۶ مفهوم دقیقی به نام اصلاحات وجود نداشت و اصلاح‌طلبان با تشکیل حزب مشارکت این عنوان را ارائه دادند. پس از سال ۷۶ روحانیون مبارز و به‌خصوص آقای کروبی در مجلس سوم به سیاست‌های دولت آقای هاشمی انتقاد می‌کردند.

در سال ۷۵ ما حزب کارگزاران را تشکیل دادیم و پس از پیشنهاد به آقای حبیبی به آقای خاتمی پیشنهاد حضور در انتخابات را دادیم و او گفت اگر کارگزاران از من حمایت کند، به انتخابات وارد می‌شوم. آقای خاتمی پیروزی‌اش را مدیون حمایت کارگزاران و مرحوم هاشمی است. مرحوم هاشمی از آقای خاتمی حمایت کرد. این موضوع درست نیست که خاتمی چهره مخالف هاشمی بوده است. در زمانی که روحانیون مبارز در انزوای کامل بود و اصلاح‌طلبی به شکل کنونی وجود نداشت، کارگزاران از آقای خاتمی حمایت کرد. جالب است که با چنین حمایت‌هایی پس از انتخابات سال ۷۶ و تشکیل حزب مشارکت، علیه آقای هاشمی سخن‌ها گفته شد و روزنامه‌ها به‌طور زنجیره‌ای علیه او نوشتند. به هرحال، همه این موضوع را می‌دانستند که آقای هاشمی از پتانسیل بالایی برخوردار است و اصلاح‌طلبان نسبت به او حس رقابت شدیدی داشتند.

برخلاف رویکرد کنونی که اصلاح‌طلبان حامیان مرحوم هاشمی محسوب می‌شوند، چنین اختلافاتی تا انتخابات سال ۸۴ نیز وجود داشت که متأسفانه نتیجه‌اش روی‌کارآمدن دولت بی‌شناسنامه احمدی‌نژاد شد. چه عواملی دست‌به‌دست داد تا در آن انتخابات شاهد شکسته‌شدن آرا باشیم؟

اصلاح‌طلبان در سال ۸۴ سه نامزد یعنی آقایان معین، کروبی و مهرعلیزاده را در مقابل آقای هاشمی قرار دادند و با این سناریو آرای مرحوم هاشمی را گرفتند. جریان راست نیز در سال ۷۶ می‌خواست چنین رویکردی را در پیش بگیرد و به سراغ من آمدند و گفتند که در انتخابات شرکت کن و از تو حمایت می‌کنیم. آقای هاشمی به من گفت که این کار را نکن زیرا آنها می‌خواهند با سیاست سه‌کاندیدایی انتخابات را به دور دوم ببرند تا در آن مرحله پیروز شوند. البته آقای هاشمی نسبت به آقای خاتمی نظر مثبتی داشت و تمایلش این بود که او رئیس‌جمهور شود. جالب است که بعد از سال‌ها اصلاح‌طلبان کاری را با مرحوم هاشمی کردند که او در سال ۷۶ با آنها نکرد. با چنین اتفاقات تلخی دیدیم که فردی به نام احمدی‌نژاد روی کار آمد که هیچ حدومرزی را رعایت نمی‌کرد.

بخش عمده‌ای از انتقادها به مرحوم هاشمی پس از رویکرد صریح او در انتخابات سال ۸۸ بالا گرفت. قدری درباره تصمیم ایشان در آن مقطع تاریخی بفرمایید.

برای مرحوم هاشمی حفظ نظام از همه چیز بااهمیت‌تر بود و همواره منافع نظام را بر منافع شخصی ترجیح می‌داد. او هیچ‌گاه به دنبال انتقام‌جویی نبود و به گذشته نگاه نمی‌کرد. در سال ۸۴ برای مردم و کشور به صحنه آمد و در سال ۸۸ نیز آنچه را گفت که فکر می‌کرد مصلحت نظام و ایران را تأمین می‌کند. او در نماز جمعه پیشنهادهایی را مطرح کرد که علاوه بر آنکه با شأن نظام اسلامی همخوان بود، می‌توانست راهشگا باشد اما به دلیل آنکه قدرت اجرائی نداشت، نتوانست آنها را به مقام اجرا برساند. او می‌دانست با گفتن آن موضوعات هزینه خواهد داد اما برای مردم آن هزینه‌ها را به جان خرید.

میزان حمایت آقای هاشمی در پیروزی آقای روحانی را چطور می‌بینید؟

آقای هاشمی به‌طور مستقیم از آقای روحانی حمایت کرد. وقتی خودش ردصلاحیت شد، آقایان عارف و روحانی باقی ماندند. او با ایشان صحبت کرد که در نهایت آقای عارف از انتخابات کناره‌گیری کرد و آقای هاشمی از مردم خواست که به روحانی رأی بدهند زیرا تعدادی از افراد در ستادهای برخی از نامزدها می‌گفتند که هاشمی از نامزد مورد نظرشان حمایت می‌کند. با اعلام موضع صریح مرحوم هاشمی این مناقشات پایان یافت. البته اینکه او تصمیم‌گیرنده دولت روحانی بود، موضوع چندان دقیقی نیست زیرا آقای هاشمی فقط در حوزه مسائل بین‌الملل مانند برجام توصیه‌هایی به آقای روحانی می‌کرد.

پس از فوت آقای هاشمی همچنان تخریب‌ها ادامه دارد. به عنوان بحث پایانی بفرمایید که هدف چنین تخریب‌هایی چیست؟

مخالفان آقای هاشمی باور دارند که اندیشه او هنوز زنده است و با اعتقاد به همین موضوع به تخریب او ادامه می‌دهند زیرا اندیشه هاشمی خطری برای افراطی‌هاست. گروه‌های مختلف باید بدانند که سیاست اکبر هاشمی‌رفسنجانی مبتنی بر وحدت، اعتدال و مشارکت مردم بود. اگر این موضوع به‌درستی درک شود، می‌توان راه درست را از نادرست تشخیص داد. نفاق و دورویی مانند موریانه نظام را می‌خورد؛ بنابراین باید همه نیروهای سیاسی به وحدت بیندیشند. مردم در کوچه و خیابان‌ها ما را که می‌بینند، می‌گویند اگر هاشمی زنده بود، وضعیت به اینجا نمی‌رسید. مردم آقای هاشمی را دوست دارند و ای کاش سیاسی‌ها نیز بر طریق مردم عمل کنند و تفکرات آقای هاشمی را سرلوحه کار خود قرار دهند.

نگاهی به مهم‌ترین فراز زندگی سیاسی آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی

از مجلس اعلای عراق تا قوه قضائیه ایران

رئیس قوه قضائیه در سال ۸۸: اینکه کسی خطایی کرده، نباید از نظام اخراج شود

شرق: از شاگردی آیت‌الله محمدباقر صدر و حضور در مجلس اعلای عراق تا ریاست قوه قضائیه. اینها از مهم‌ترین فرازهای زندگی سیاسی مرحوم آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی است.

زاده نجف بود و همان‌جا هم تحصیل کرد و شاگرد مرحوم شهید آیت‌الله محمدباقر صدر شد. گفته می‌شود که تنها فردی بود که حکم مرجعیت با دستخط آیت‌الله صدر داشت. مرحوم هاشمی‌شاهرودی عضو هیئت مؤسس و اولین رئیس مجلس اعلا بود که پس از چندی، با ریاست شهید حکیم به‌عنوان سخنگوی این مجلس انتخاب شد. برگزاری کنفرانس «جنایات صدام» از مهم‌ترین حرکت‌های مجلس اعلای عراق در دهه ۶۰ بود.

آیت‌الله محقق‌داماد بعد از پایان دوره ریاست آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی بر قوه قضائیه، در نامه‌ای حسرت‌وار خطاب به او آرزو کرده بود که ای‌کاش شاهرودی همان مسیر استاد خود، آیت‌الله محمدباقر صدر را در حوزه ادامه می‌داد. در این نامه آمده بود: «به خاطر دارم نیمه اردیبهشت ۱۳۵۸ برای زیارت عتبات عالیات به نجف اشرف مشرف شدم آیت‌الله محمدباقر صدر خطاب به اینجانب فرمودند: «این روزها آقای سیدمحمود هاشمی که گویی فرزند من است برای حفظ جانش عراق را به قصد قم ترک کرده است و نوید دادند که ایشان می‌تواند صدیق همفکر گرانبهایی برای شما باشند». من که نادیده خریدار شده بودم نخستین‌بار که جنابعالی را در قم زیارت کردم، درست همان یافتم که فرموده بودند... ای‌کاش در حوزه علمیه به کار تدریس و پژوهش ادامه داده بودید و هرگز به این ورطه خطیر پای نمی‌نهادید و به همان نقطه امید استاد شهید بزرگوارتان واصل می‌شدید». به نظر می‌رسد که بُعد علمی آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در این سال‌ها ذیل چهره سیاسی قضائی ایشان کمتر دیده شد. آیت‌الله مجتهدشبستری به ایلنا گفته است: «ایشان از نظر شخصیت علمی واقعا شخصیت ممتازی بودند، فقیهی بودند کاملا متبحر در علم فقه و به علم اصول کاملا وارد بودند. آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی همین‌طور سالیان متمادی در قم بودند و بعد از آنکه به تهران آمدند کلاس تدریس داشتند و کلاس‌های تدریسشان هم پرجمعیت بود. ایشان تألیفاتی در فقه و اصول دارند. ایشان از نظر علمی و حوزوی شخص ممتازی بود و از نظر شخصیت سیاسی هم ایامی که در نجف بود با بعثی‌ها و فرقه‌های منحرف مبارزه می‌کردند و در حزب الدعوه فعال بودند. غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل دادگستری استان تهران هم درهمین‌باره گفته است: «ایشان جزء چهره‌های شاخص و برجسته علمی و حوزه‌های علمیه بودند که در عرصه فقاهت و هم نوآوری‌های روز حوزه و مسائل اجتماعی اشراف و اطلاعات عمیق و دیدگاه‌های جدیدی داشتند. ایشان از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ درس خارج را در قم شروع کردند و درسشان از درس‌های عمیق و پرمحتوای حوزه علمیه قم بود. ایشان شخصیتی معتقد به مبانی اسلامِ فقاهتی و حکومتی بودند و در بحث‌های حاکمیتیِ اسلام دیدگاه‌های علمی و کاربردی بسیار روشنی داشتند و حاضر شدند که خودشان را در این جهت وقف کنند».

جمله مشهور آیت‌الله

آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در سال ۷۸ به‌جای آیت‌الله محمد یزدی بر مسند ریاست قوه قضائیه نشست. همان زمان جمله‌ای درباره قوه قضائیه گفت که تا الان مشهور است. «امروز قوه قضائیه ویرانه‌ای بیش نیست»؛ این جمله‌ای است که آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی هنگام دردست‌گرفتن سکان قوه قضائیه در مردادماه ۱۳۷۸ بر زبان آورد.

احمد زیدآبادی در خاطره‌ای به همین قضیه اشاره کرده و در کانال تلگرامی‌اش نوشته است: «سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی هنگام انتصابش به ریاست قوه قضائیه اعلام کرد که خرابه‌ای را به ارث برده است. این جمله در آن زمان بسیاری را نسبت به انجام اصلاحات بنیادی در دستگاه قضائی کشور امیدوار کرد و روزنامه‌نگاران از جمله من، نقد عملکرد قوه قضائیه به قصد اصلاح آن را در دستور کارمان قرار دادیم. با این حال، یکی از اتهام‌های من در پرونده سال ۱۳۷۹ تخریب قوه قضائیه بود. در جریان دادگاه، وقتی که سعید مرتضوی با استناد به برخی انتقادات من از قوه قضائیه، آنها را مصداق تبلیغ علیه نظام دانست، در دفاع از خود به سخن آقای شاهرودی اشاره کردم و گفتم؛ اگر نقدهای من علیه دستگاه قضائی تبلیغ علیه نظام است پس سخن رئیس قوه قضائیه در مورد اینکه خرابه‌ای را به ارث برده است، مصداق چیست؟ مرتضوی از این پاسخ برآشفت و گفت: «منظور حضرت آیت‌الله شاهرودی ساختمان‌های قوه قضائیه بوده است!»

حسین علایی، از فرماندهان دوران جنگ، هم در مطلبی نوشته است: «شاخص ارزیابی عملکرد یک دستگاه قضائی ایجاد سیستمی است که علاوه‌بر رعایت عدالت سیستماتیک، کمتر نیاز به مراجعه حضوری به آن و تشکیل پرونده‌هایی است که رسیدگی به آنها زمان طولانی ببرد. در اوایلی که آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی به ریاست قوه قضائیه برگزیده شده بود، در حالی که رئیس ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودم، به دیدار ایشان رفتم. ایشان سه مطلب را در آن دیدار بیان کرد که بسیار حائز اهمیت است. یکی این‌که دستگاه قوه قضائیه ویرانه است. دیگر این‌که در اسلام زندان نداریم و سوم این‌که برخی از دستگاه‌های امنیتی در برخی محاکم حاکم هستند و قاضی تحت امر آنهاست. بعدها ایشان این مطالب را در رسانه‌های عمومی نیز مطرح کرد. الان هم به نظر می‌رسد که این سه موضوع هم‌چنان از معضلات اساسی دستگاه قضائی است که باعث می‌شود سالانه حدود ۱۶ میلیون پرونده در بخش‌های مختلف دستگاه قضائی تشکیل شود. البته علت خیلی از این موارد به قوانین و مقررات بازمی‌گردد که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌توانند برای حل آنها گام‌های بلندی بردارند. شاخص ارزیابی عملکرد یک دستگاه قضائی ایجاد سیستمی است که علاوه بر رعایت عدالت سیستماتیک، کمتر نیاز به مراجعه حضوری به آن و تشکیل پرونده‌هایی است که رسیدگی به آنها زمان طولانی ببرد».

آیت‌الله مجتهد شبستری درباره دوره ریاست هشت‌ساله آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی بر ریاست قوه قضائیه گفته است: «آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی وقتی به ایران تشریف آورد باز فعالیت‌های سیاسی داشت که مقام معظم رهبری ایشان را برای ریاست قوه قضائیه شایسته دید. ایشان هشت سال در مسند قوه قضائیه بودند و این قوه را به خوبی اداره کردند. ایشان شوراهای حل اختلاف را احیا و خدمات ارزنده شایانی در زمان ریاست قوه قضائیه داشتند، سپس مقام معظم رهبری صلاح دیدند که ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام به ایشان تفویض شود و ایشان را به این سمت معین نمودند».

علی‌اکبر یساقی رئیس سابق سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی هم همان زمان گفته بود که: «کاهش ورودی زندانیان یکی از افتخارات سازمان زندان‌ها در دوره مدیریت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی است. مسئولان سازمان زندان‌ها اعلام کرده‌اند اگر برنامه‌های مربوط به کاهش جمعیت کیفری نبود الان آمار زندانیان می‌بایست بالای ۲۵۰ هزار نفر بود و اجرای این برنامه‌ها مانع ورود ۱۱۰ هزار نفر به زندان‌ها شده است. ورودی زندان‌ها در طول پنج سال گذشته به طور میانگین سالانه ۶۰۰ هزار نفر بوده است اما این آمار در سال گذشته به ۴۲۵ هزار نفر رسیده است و در واقع ورودی زندان‌ها در حدود ۲۰۰ هزار نفر نسبت به آغاز پنج‌ساله اخیر کاهش یافته است».

نقدهای اصلاح‌طلبان

با این حال انتقاداتی هم به عملکرد آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی وجود داشت. همان زمان غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی تأیید این نکته از زبان رئیس سابق قوه قضائیه که برخی زندان‌ها خارج از نظارت در کشور وجود دارند را نوعی عدم موفقیت در عملکرد ۱۰ سال گذشته مدیریت این قوه دانسته بود. شهردار اسبق تهران در ادامه با اشاره به این جمله رئیس سابق قوه قضائیه مبنی بر اینکه مثلا فلان اتفاق در زندان‌های «ما» رخ نداده گفته بود: «اساسا در کشور مگر زندانی غیر از زندان‌های قوه قضائیه هم وجود دارد؟ همه زندان‌ها باید تحت نظر و نظارت دستگاه قضا باشند. بیان چنین مسائلی خود نشانه نوعی عدم موفقیت در این قوه پس از گذشت ۱۰ سال است».

کرباسچی گفته بود: «هاشمی‌شاهرودی در جلسه معارفه خود و در مصاحبه‌ای گفت که قوه قضائیه یک ویرانه بود و ما می‌خواهیم آن را آباد کنیم. اکنون بعد از ۱۰ سال باید دید اگر هاشمی‌شاهرودی اراده آبادی این ویرانه را داشتند، به چه میزان توانستند در جهت آبادی آن عمل کنند؟ الان در چه مرحله‌ای هستیم و آیا آن آبادانی لازم تحقق پیدا کرده یا نه باید آقایان آمار و ارقام را توجه کنند. آیا تعداد پرونده‌ها و نوبت رسیدگی کم شده؟ تعداد زندانیان پایین آمده؟ میزان رضایت مردم از دادگاه‌ها افزایش یافته؟» یکی از برنامه‌های قوه قضائیه در دوره ریاست هاشمی‌شاهرودی تحت عنوان توسعه قضائی، تدوین ۲۵ لایحه قضائی بود. مانند لایحه قانون مجازات اسلامی (کلیات، حدود، قصاص و دیات) که تحت عنوان قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به تصویب نهایی مجلس رسید، لایحه آیین دادرسی کیفری که تحت عنوان قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۴ به تصویب مجلس رسید، لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان؛ بعدا در قالب موادی از قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، لایحه پیشگیری از وقوع جرم که تحت عنوان قانون پیشگیری از وقوع جرم در سال ۱۳۹۴ به تصویب مجلس رسید، لایحه جرائم رایانه‌ای که تحت عنوان قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ به تصویب مجلس رسید، قانون شوراهای حل اختلاف که ابتدا در سال ۱۳۸۷ برای اجرای آزمایشی به تصویب مجلس رسید و نهایتا در سال ۱۳۹۴ به تصویب نهایی رسید، لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان که تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۷ در حال تصویب در مجلس است، لایحه اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی، لایحه اصلاح قانون تعزیرات حکومتی، لایحه اصلاح قانون صدور چک و... .

> **سر هر مسئله جزئی نباید حساسیت نشان داد. اینکه کسی خطایی کرده، نباید از نظام اخراج شود. باید از همه استفاده شود. از هر چیزی در جای خودش و از هر نیرویی که بتوان از او برای انقلاب استفاده کرد، باید بهره‌برداری کرد**

کسی که خطایی کرده، نباید از نظام اخراج شود

رخدادهای سال ۸۸ به‌ویژه ماجرای کهریزک درست در ماه‌های پایانی ریاست آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی بر قوه قضائیه رخ داد. دری‌نجف‌آبادی دادستان وقت همان زمان از دستور آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی مبنی بر تعیین‌تکلیف‌کردن بازداشت‌شدگان خبر داد و گفت: «روند رسیدگی به پرونده بازداشت‌شدگان به سرعت انجام شده و این روند ادامه دارد. علیرضا جمشیدی سخنگوی وقت قوه قضائیه درباره جزئیات این دستور که در جلسه مسئولان عالی قضائی برای تعیین تکلیف بازداشتی‌ها صادر شده بود، گفته بود که رئیس قوه گفته است در مدت یک هفته نسبت به تعیین تکلیف زندانیان حوادث اخیر و آزادی افرادی که جرمشان در حدی نیست که در زندان بمانند اقدام شود.

او گفته بود: «مسئولان عالی قضائی به ریاست آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی به بررسی وضعیت حوادث اخیر و روند رسیدگی به وضعیت زندانیان پرداختند و هیئت سه‌نفره قضائی متشکل از معاون اول قوه قضائیه، دادستان کل کشور و رئیس سازمان بازرسی که از سوی قوه قضائیه مأمور بررسی وضعیت زندانیان و حوادث اخیر بودند، گزارش خود را ارائه کردند». دستورات هاشمی شاهرودی این‌چنین بود:

۱- دادستان تهران موظف است ظرف مدت یک هفته نسبت به سرعت‌بخشی به روند بررسی وضعیت زندانیان و تعیین تکلیف آنان اقدام کند تا تمامی کسانی که جرمشان در حدی نیست که بازداشت باشند، با قرارهای مناسب آزاد شوند؛ به‌گونه‌ای که بازداشتی‌های حوادث اخیر به حداقل ممکن برسند.

۲- هیئت سه‌نفره قضائی یا نمایندگان آنان موظف هستند با تمام زندانیان حوادث اخیر ملاقات و از وضعیت آنان و نیز از روند بازجویی‌ها و رعایت حقوق شهروندی این زندانیان گزارشی تهیه و در اسرع وقت به رئیس قوه قضائیه ارائه کنند. رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز موظف شد شرایط رعایت حقوق شهروندی زندانیان و نحوه نگهداری آنان را بررسی و گزارشی از وضعیت بازداشتگاه‌ها و بازداشتیان حوادث اخیر به رئیس قوه قضائیه ارائه کند تا مشکلات مرتفع شود.

۳- با تشکیل شعبی در دادگستری استان تهران و در صورت نیاز در دادگستری‌های سراسر کشور و نیز سازمان قضائی نیروهای مسلح شکایت تمام افراد بی‌گناهی که در حوادث اخیر مورد ضرب‌وشتم و تخریب اموال قرار گرفته‌اند یا صدمات جانی و مالی دیده‌اند، دریافت و به آنها رسیدگی شود.

رئیس سابق قوه قضائیه در مراسم تودیع و معارفعه خود تأکید کرده بود: «مسئولان عالی دستگاه قضائی و مدیریت عالی این قوه باید استقلال قوه را از جریانات سیاسی حفظ کنند، چون ما در این قوه مسئولیت خطیری داریم و پرونده افراد حقیقی و حقوقی در دست ماست. عدم استقلال قوه قضائیه باعث می‌شود که انگیزه‌های عمومی اجرای عدالت و مسیر صحیح مدیریت قضائی در معرض خطر قرار گیرد». او با بیان اینکه قوه قضائیه در این دهه مستقل بوده و همین استقلال از افتخارات گران‌سنگ دستگاه قضائی است، گفته بود: «اصلاحات در دستگاه قضائی بسیار مهم است ولی در بعد قضائی اصلاح و تحول کار سختی به‌شمار می‌رود. مدیران دستگاه قضائی اشخاص فاضلی هستند و اساسا تحول در زمینه‌های مسائل تخصصی کار ساده‌ای نیست».

هاشمی‌شاهرودی در انتها هم گفته بود: «در اواخر دوره فعالیت متوجه امری شدیم و آن این است که با همه اقدامات ارزنده و زیرساخت‌هایی که خروجی خدمات قضائی را دوچندان کرده ولی این احساس وجود دارد که آن امنیت قضائی لازم ایجاد نشده است و هنوز ورودی پرونده‌ها زیاد، تخلفات زیاد و تضییع حقوق زیاد است و همچنین هر معامله‌ای که انجام می‌شود و هر دسته چکی که داده می‌شود، به دنبال آن پرونده‌ای تشکیل می‌شود. در آن جامعه‌ای عدالت اسلامی و امنیت حقوقی وجود دارد که جرم، تخلف، تضییع حقوق و اختلاف در آن نباشد؛ یعنی از این مباحث جلوگیری شود و باید توجه داشت که پیشگیری فقط مربوط به قوه قضائیه نیست و به همه قوا نیز مربوط می‌شود».

آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی خرداد ۸۸ هم به مناسبت سالگرد ارتحال امام گفت‌وگویی با سایت جماران داشت. او آنجا گفته بود: «راه نخست حل اختلافات گفت‌وگوی بی‌پرده گروه‌های سیاسی است. یکی دیگر از عوامل مهم وحدت، تشکیل کارگروه‌های مشترک و شرکت‌دادن همگان در برنامه‌ریزی‌های کشور است. بدون‌شک گفتمان و مباحثه در فضای حسن ظن می‌تواند مؤثر باشد. باید حداقل اعتماد طرفین ایجاد شود تا با هم گفت‌وگو کنند. علما، روحانیون، بزرگان، نخبگان، رهبر انقلاب و مراجع باید این فضای اعتماد را ایجاد کنند. راه گفتمان است. گله‌مندی‌ها در جلسات گفت‌وگو حل می‌شود. اگر این حسن ظن ایجاد شود، همه می‌فهمند مسائل آن‌گونه که در ذهنشان هست، نیست. اختلاف افراد و گروه‌ها بر اثر دوربودن آنها و وجود برخی واسطه‌ها که مسائل را بزرگ می‌کنند، زیاد می‌شود، بعد که اینها به هم می‌رسند، می‌بینند همه آنها مبالغه‌بودن موضوع و جور دیگری بوده است. یکی از عوامل مهم وحدت، تشکیل کارگروه‌های مشترک و شرکت‌دادن همگان در برنامه‌ریزی‌های کشور است؛ این کار اعتماد همه را جلب می‌کند. اینکه پیامبر(ص) برخی اوقات کار را به دست کسی می‌داد که می‌دانست این کاره نیست، به این دلیل بود که می‌خواست این فرد را همراه کند. گذشت و اغماض و شرح صدر خیلی مهم است. سر هر مسئله جزئی نباید حساسیت نشان داد. اینکه کسی خطایی کرده، نباید از نظام اخراج شود. باید از همه استفاده شود. از هر چیزی در جای خودش و از هر نیرویی که بتوان از او برای انقلاب استفاده کرد، باید بهره‌برداری کرد.

آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی بعد از تحویل مسند قوه قضائیه جهت کار فقهی، حوزوی و مرجعیت راهی قم شد. او مؤسس و رئیس هیئت‌امنای دانشگاه عدالت هم بود. آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی، نماینده مردم استان خراسان رضوی در مجلس خبرگان هم بود و بیت او در خیابانی منتهی به حرم امام رضا(ع) در مشهد قرار دارد. او سال گذشته هم به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد که به علت وخامت بیماری خود به‌ندرت در جلسات مجمع شرکت می‌کرد.

یادداشت

عملکرد دولت و اعتبار اصلاح‌طلبان

علی نظری
سردبیر روزنامه مستقل

● روحانی در ایام تبلیغات انتخاباتی دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در قواره یک چهره «اولترا اصلاح‌طلب» ظاهر شد. از رفع برخی محدودیت‌ها سخن گفت و بر ضرورت جامعه‌ای متکثر تأکید کرد. شعارهایی را سر داد که اصلاح‌طلبان آرمان خویش را در آنها جست‌وجو می‌کردند. اما پس از انتخابات رئیس‌جمهور به توصیه اقتصاددانان کم‌توجهی کرد، تورم در جامعه روند رو به تزاید گرفت و نرخ دلار هم بالا رفت. شاید اگر رئیس‌جمهور به‌موقع ترمیم کابینه را انجام می‌داد، اوضاع اقتصادی کشور اکنون به‌گونه‌ای دیگر بود. وزرای کارآمدی مانند زنگنه اگر در وزارتخانه‌های مهمی مانند اقتصاد، صمت، تعاون و کار، بانک مرکزی و سازمان برنامه به کار گرفته می‌شدند، قطعا مردم در مواجهه با گرانی‌ها این‌گونه آسیب نمی‌دیدند. اکنون این نابسامانی به حساب اصلاح‌طلبان نوشته شده است. تشکل‌ها، احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب هم دریافته‌اند که بدهکار مردم هستند. عملکرد نه‌چندان مطلوب تیم اقتصادی دولت، مانند باتلاقی است که اصلاح‌طلبان در آن گرفتار آمده‌اند. حدود ۱۵ ماه به انتخابات دوره آینده مجلس باقی مانده است و گرایش‌ها و طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب به فکر چاره‌جویی برای پیروزی در انتخابات زمستان آینده هستند. درحال‌حاضر پنج دیدگاه در اردوگاه اصلاحات درباره نحوه تعامل با روحانی و همچنین چگونگی ورود به انتخابات ۱۴۰۰ وجود دارد. یک نگاه متعلق به بهزاد نبوی است که اعتقاد دارد از اشتباه سال ۸۴ اجتناب شود و حتی اگر لازم شد همه طیف‌های اعتدالی و اصلاح‌طلب از یک کاندیدای معتدل اصولگرا حمایت کنند تا قوه مجریه دست تندروها نیفتد. نگاه دوم مربوط به سعید حجاریان است که معتقد است اصلاح‌طلبان دیگر مانند ۹۲ و ۹۶ بی‌گدار به آب نزنند و سرمایه اجتماعی خویش را به پای فردی بیرون از جریان اصلاحات نریزند. دسته سوم، ملی و مذهبی‌ها تلاش خویش را به جامعه مدنی معطوف داشته و از طریق تحکیم بنیادهای جامعه مدنی به جای «انتخابات‌محوری به جامعه مدنی محوری» نظر دارند. چهارم، نگرش احزاب «اتحاد و کارگزاران» در درون جبهه اصلاحات چنین است که در سال ۱۴۰۰ مصمم هستند کاندیدای اصلاح‌طلب معرفی کنند. دسته پنجم احزاب و چهره‌هایی هستند که اعتقاد دارند در موقعیت کنونی نباید دولت را تنها گذاشت و جدایی اصلاح‌طلبان از دولت را برنمی‌تابند. نگارنده به‌عنوان یک کنشگر سیاسی اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان نباید مصروف غیراصلاح‌طلبان شود. بعد از انتخابات ۹۶ دیدیم که رئیس‌جمهور و مسئول دفترش حتی اصلاح‌طلبان را شریک انتخاباتی خویش نمی‌دانند و معتقدند که روحانی در دو انتخابات قبلی وامدار هیچ‌کس نیست! درحال‌حاضر به وضوح می‌بینیم لایه‌های مختلف جامعه، اصلاح‌طلبان را مسبب معضلات اقتصادی امروز می‌دانند و بر این عقیده‌اند که رابط سبد آرای رئیس‌جمهور فعلی با مردم «خاتمی و یارانش» بوده‌اند. برای اطرافیان رئیس‌جمهور هم مهم نیست که چه بر سر سرمایه اجتماعی اصلاحات آمده است. اولا آنها اعتقادی به مانیفست اصلاح‌طلبی ندارند؛ هرچند در ایام انتخابات به بهترین وجه از این سرمایه اجتماعی بهره‌برداری شد. ثانیا آقای روحانی تمایلی به اینکه به سرنوشت خاتمی و رؤسای جمهور سابق گرفتار آید، ندارد. تجربه ائتلاف با روحانی به اصلاح‌طلبان گوشزد می‌کند در ۱۴۰۰ سرمایه اجتماعی این جریان به عنصر غیراصلاح‌طلب واگذار نشود. هرچند بازسازی اعتماد مردم به اصلاح‌طلبان مشکل به نظر می‌رسد؛ اما تنها چاره کار این است که اصلاح‌طلبان به تجدیدنظر جدی در رویه خویش اقدام کرده و با شهامت به نقد اصولی عملکرد خود و دولت بپردازند و بابت کاستی‌ها از مردم عذرخواهی کنند تا شاید دوباره اعتماد مردم را به این نحله فکری و سیاسی شاهد باشیم.

خبر

تسلیت شخصیت‌های داخلی در پی درگذشت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی

● **شرق:** در پی درگذشت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بسیاری از مقامات و شخصیت‌های داخلی با صدور پیام‌ها و بیانیه‌های جداگانه‌ای، درگذشت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی را تسلیت گفتند. در پیام تسلیت رئیس‌جمهوری و رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس در پیامی درگذشت آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی را تسلیت گفتند.آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و رئیس مجلس خبرگان رهبری هم در پیامی این درگذشت را تسلیت گفت. سیدحسن خمینی، اسحاق جهانگیری، محمدجواد ظریف، محسن رضایی ، محمدرضا عارف، علی‌اکبر ولایتی ، سرلشکر محمد باقری ، علی شمخانی و همچنین برخی مراجع با صدور پیام‌های جداگانه‌ای این ضایعه را تسلیت گفتند.